

مردم با بیعت از چند روز پیش منتظر نتیجه اقدامات دولت راجع به قضایای اخیر بوده و در حقیقت با کمال بیصبری انتظار جلسه دیروز مجلس شورای ملی را می بردند. ولی با اظهاراتی که از طرف مقامات رسمی دول همسایه ضمن لفظیاتی که ایراد نموده بودند ابراز شده بود هیچکس انتظار نداشت قضایا با اینصورت در آمده و شرایطی باین دشواری تبدیل شده باشد.

همانطور که دیروز نمایندگان مجلس پس از شنیدن گزارشهای دولت متنازع گردیدند و وضع مجلس حالت بهت و وحیرت بخود گرفت و دیشب نیز مردم پس از آگاه شدن از جریان بینهایت افسرده و متاسف شدند و تعجب و شگفتی آنها نیز حد اندازده نداشت. چیزی که بود خونسردی و متانت خود را حفظی کردند و از ابراز احساسات درونی خودداری می نمودند.

دولت ایران از آغاز جنگ کنونی کوشش راوانی برای حفظ بیطرفی خود نمود بویژه برای حفظ روابط دوستانه خود با دول همجوار سی بی بایان کرد ولی همان طور که آقای نخست وزیر در نطق مؤثر خود دیروز اظهار داشتند تقدیر چنین بود که ما هم از آتش این جنگ بیخواسوز برکنار نمانیم و ملت صلحجو و بیغرض ایران نیز دچار آفات و اطبات آن گردد.

البته خوانندگان ما هر قدر متأثر و اندوهناک باشند حق دارند زیرا ما امروز با مشکلات سختی روبرو شده ایم که در حقیقت هیچ منتظر و مستحق آن نبودیم و حتی در تصور و اندیشه ما نیز نیکنجید.

ولی دولت هم جز رویه ای که بیشه خود ساخته بود چاره نداشت و در این موقع بحرانی و دشوار جز این راهی بنظر نمی رسید. راست است که ما با دولت آلمان و ایتالیا جز یک روابط عسادی و اقتصادی روابط دیگری نداشته ایم ولی میل داشتیم باین روابط حسنه ما غللی وارد نیاید و آرزوی عمومی ملت ایران میباشد همین اقتضا را داشت که ما با تمام دول و ملل جهان دارای روابط دوستانه و حسنه باشیم.

متأسفانه دولت ما امروز ناگزیر شده است که سفارتخانه های آلمان و ایتالیا بوردو و میجرستان را در ابران بر چندین ولسی سفارتخانه های مادر با تخت این کشورها مانند پیش دایر و روابط سیاسی ما هم با آنها برقرار خواهد ماند.

در هر صورت باید این حقیقت را بگوئیم که انتظار مردم ایران از دولت های اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان در اعلام همسایگی و دوستی خیلی بیش از اینها بود و ما عقاید خود را در شماره های آینده نشریح خواهیم کرد.

بازار کتاب در چه حال است؟

همین جهت است که مشاهده می کنیم کتابهای مشکل فلسفی و علمی کمتر طرفدار و خواهان پیدا می کنند و بروی هم خیلی کم طالب و بی خریدار است، معذرا کتاب دشمنان زیادی دارد که هر کدام بنوبت خود لطمه ای بر دیگر آن وارد می آورند.

فرزترین دشمن کتاب روز نامه ها جز این روزانه و هفتگی هستند که حق مشروع کتاب را غصب نموده و مطالبی که باید در کتاب منتشر شود بصورت مقاله در ستونهای خود درج می کنند. انتشار صرف روزانه جز این روز نامه ها را تقویت میکند که هر چه بیشتر از اینجای نامشروع که پیش از انتشار جز این مخصوص تبویوت استفاده کنند.

اسرودر جایزید مهم دیانتوهای گوناگونی بار کرده اند که همه روزه در آن از ریاضیات عالی، طبیعیات، مقالات فلسفی و پزشکی گفتگو میکنند از آن گذشته بعضی بنگاههای روز نامه ها را پیدا میکنند که نشریات مختلف دارند و به همراه روز نامه مطبوعاتی غالباً در یکی از مسال متخص بکتاب بحث میکنند همچنین مؤسسه ای هست که دارای شعب گوناگون است که هر کدام رشته ای را پیش کشیده و مسائل مربوط باقیمت را مورد بحث و تحقیق قرار میدهند و این خود شاید فرزترین لطمه را بر کتاب وارد می آورد.

روز نامه ها و مجلات غالباً خلاصه یک کتاب را در چند ستون خود درج کرده و از نظر خوانندگان خود میگردانند و رفته رفته این شیوه در مؤلفان هم تأثیر نموده و احیاناً مشاهده میشود که آنها هم این رویه را پیش گرفته و موضوع خود را در روزنامه ها خلاصه می کنند و یک کتاب باصداً صحنه ای را شرم کش کرده و عصاره آنرا در خلال یکی دو ستون از نظر خوانندگان روزنامه ها میگردانند.

سینما، نمایش، رادیو، سرامافون، کنفرانسهای علمی و ادبی هم بنوبت خود فرزترین دشمنان کتاب بوده و لطمه بزرگی بهشتن آن وارد آورده اند، همه مؤلفان دنیا باین نکته اعتراض دارند و به ولایت خود در برابر این عوامل اقرار میکنند.

از اینها گذشته خوب بیستم مردم بطور کتابی نمی خوانند؟ حقیقت این است که مردم کتاب نمی خوانند بلکه آثار را ورق و یک نگاه سطحی از سر تا پای نموده و باکمال بی اعتنائی و عدم توجه از روی سلطوری آن عبور میکنند.

اگر مردم بطریق کتاب خوانند را نمی دانند مذهب کتاب را در این قسمت کمک کرده آثار را باین رویه بدرورش می دهند مؤلفی که در عرض چندین سال ده جلد کتاب تألیف و تصنیف میکند مسلماً کتب او غالباً میان قلی و بیعت است و بخوانندگان هم باید بدیم که بطور سطحی و سرسری از آن بگذرند و بدون تعمق در مندرجات کتاب با برهائی آن بازی کنند.

کسانیکه راجع بسرنوشت کتاب نگرانند میگویند کثرت چاپ کتاب و فراوانی آن دلیل بعبودت و ضعیفیت است و نه تنها بکتاب باید از لحاظ کیفیت نگاه کرد نه از لحاظ کمیت بلکه هر چه جنبه ادبی و فنی دارد تابع این قاعده اساسی است که همیشه محکم و استوار است.

میگویند کتابهای کنونی برفوه نقل بشر نمیافزاید و اندازه فکر و اندیشه او را بالا نمیرد و ترفی میدهد و از این حیث باید نسبت باینده کتاب نگران بود زیرا اگر نویسندگان این شیوه ناستوده را نقیب کنند و بخوانندگان هم بدون تعمق در مطالب کتابها را بخوانند دیر یا زود کتاب موضوع خود را از دست داده و مراحل تزل و انقطاع را خواهد پیمود.

همان میگویم خواننده ابتدا این برش را با شگفتی و تعجب تلقی کند! مگر امروز روزی نیست که هزار ها کتاب همه روزه منتشر شود و صد ها هزار نسخه آن در دسترس مردم قرار میگیرد! مگر همه ماهه راجع بتبویوت و گوناگون چندین صد کتاب در یک کشور با بهره وجود نمیگذارند و اگر همه آنها را جمع آوری کنیم شماره بزرگی را تشکیل میدهد!

اکنون روزی است که دنیای انسانیت از فراوانی کتاب در زحمت است نه از نبودن و نایابی آن با وجود همه این مقدمات آیا سزاوار است که در اینخصوص گفتگو کنیم و برای کتاب دشمنانی در دای کونی قائل بشویم!

علت این برش اینست که بسیاری از دانشمندان و متفکران میگویند کتاب در عصر کنونی دچار بحرانی برز شده و تالیف و تصنیف وضع خوبی ندارد! این موضوعی است که یکده از متفکران نسبت باین بد بیند ولی آیا مهم بدون دل و دلیلی بر سر دیروز و امروز درستی و نادرستی آن باید آرا بپذیریم و این دعوی را بی برهان قبول کنیم؟ البته اینطور که نباید تسلیم هر سختی شده و پرداختن را باور کنیم و ناچار برای اینکه بدانیم این سخن تا چه اندازه درست و تاجه حدی نادرست است باید بمسائل زیرین جواب بدهیم. چه نوع کتبی را میخوانیم؟ چگونه میخوانیم؟ در آینده چه نوع کتبی مورد مطالعه ما قرار میگیرد؟ ... بی قیالز باید در اطراف این چند سؤال بررسی کرده و بآن جواب بدهیم.

امروز کتب زیادی در دنیا منتشر میشود و در تمام قلوب هزاران نامه قدس باعادات و گوناگون و مطالب متنوع نوشته شده و هر کسی در هر زمینه موضوعی میل داشته باشد اطلاعاتی کسب کند بدون معطلی میتواند هزاران کتاب در آقیمت بدست بیاورد و آنها را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد و از آن استفاده نماید و بهر کتابخانه ای مراجعه کند آقدر کتاب از نظر شخص میگرداند که خسته می شود.

مؤلفان گوش دارند که تالیفاتشان اموال ذوق مردم در آورند و خوانندگان خود را راضی نموده بر سر شوق و رغبت بیاورند که مؤلفات آنها را با کمال میل تا آخر نتوانند و میان کار آنرا زایل نگذارند، در روی هم میشود گفت که مؤلفان تعداد خوانندگان خود را در نظر میگیرند نه میزان ترقی عقل و روحیه آنها را و این موضوعی است که باید مورد بررسی قرار گیرد و در پیرامون آن مطالعه شود.

مؤلفان چرا این رویه را تقبیل می کنند؟ برای اینکه آنها با مقصودشان شهرت و مال برای ایا جنبه ادبی آنرا در نظر دارند بهر حال منظور آنرا از کثرت خواننده تأمین می نمایند و همین مسئله باعث شده است که کتاب های ادبی و آثار مشغول کننده که در دسترس عموم مردم قرار میگیرد از تاریخ سرشته نشدند و افسانه های کوچک و بزرگ همه از مطالبی ساده و عادی بر شده است و از این فراری بیستم مؤلفان نیزه برشته خود زده و بدست خویش باید کتاب باطوری مقام ادب و ادبیات را بکند کرده اند.

مدت کثرت مدلیت مادی است مدلیت چرخ و ماشین است این مدلیت که پایه ای بر روی شتاب و سرعت قرار گرفته و بالان اجازه خواندن کتابهای بر مفر علمی معطول و فطور را نمیدهد.

مردم میخواهند کتاب را که شروع بخوانند می کنند احتیاج برویه و فکر نداشته باشد و بدون اینکه مقنن آنها را در فکر گذارد زود بآخر برسد و خامه پیسا کند

ده تن از پیشروان تاریخ فکر انسانی

۴-

۹- کانت

در اواخر قرن هفدهم میلادی در انگلستان فیلسوفی بنام جوله لوك ظاهر شد پایه و اساس فلسفه او این بود كه كه آرمایش سرچشمه دانش است و حواس راه آزمایش و عقل نمیتواند چیزی را جز از طریق حواس ادراك نماید: از این گفتار نتیجه گرفته میشود كه اجسام مادی تنها از طریق حواس در غل مؤثر واقع میشوند و ما نمیتوانیم چیزی را جز از راه ماده احساس نمایم مطلقاً باریکی در رد جون يوك چنین نمائیم مطلقاً باریکی در رد جون يوك چنین است: «قول يوك میسراند كه ماده وجود مستقل ندارد و وجود آن برای آلت كه حواس ما آنرا ادراك میکند و اگر حواس مدوم میشود ماده نیز مدوم خواهد شد» پس بارد خود اساس ماده و فلسفه مادی را زیر و رو كرد چیزی طویل كشید كه دواویديوم رساله ای بنام «طبیعت بشری» نوشت و در آن با باریکی بمعارضه پرداخت و با طریقه باریکی اثبات كرد كه عقل مستقل نمیتواند ادراك كنون شها این عصر را در نظر بگیرد كه طر فكر چگونه بوده است باریکی با شمشیر خود مادیون را مورد حمله قرار میدهد و هیوم آمده با همان شمشیر عقل غیر مادی و روح جاودانی را گردن میزند در این هیرو دار علم مقام و هیبت خود را از دست داد تا اینکه تزیه و زلفات هیوم بدست امانول آلمانی (كانت) رسید او آنها را خواند و با خود گفت: آیا برای این صرد هیوم و بران كن ما از علم و ایمان خود دست برداریم؟ برای نجات این دو چه باید كرد؟

امانوال چه كرد؟ كتابی بنام «مقدل» تالیف نمود و حكم كرد بر اینکه ممكن نیست آزمایش بتهائی سرچشمه شناسائی و دانش قرار گیرد مردم نیز با شادی و سرور بی پایان گفتگاو و سخن فرادانند بر این تعلیمات معتقدات قدیمی آنها كه با بدران میراث برده بودند، هم آهنگ بود. تصور نمیرود کسی در آن آمانوئل كتاب نزدیدی داشته باشد كالت عقل و روح را از چنگال ماده رها نمی داد و دانشمندان آلمانی را وادار كرد كه در مباحث ماوراءالطبیعه وارد شده بدان اهتمام ورزند از آن جمله فیلسر و گوته بسر او روی آورده از وی حكمت و حقیقت را فرا گرفتند و بتهوون از او این عبارت را قل کرده است:

«در عالم وجود دو چیز شگفت آوری باشد یکی این قبه تنگنوس آسمان كه بگوایك درخشان بر صرع گردیده است و دیگری قانون و نوس ادبی كه در نفس انسانی بود و یعت نهاده شده است» از جمله پیروان كانت فیلسر و هگلنك و هیولنهور را باید نام برد كه «هریک بر روی اصل كانت نظام فلسفی تازه ای نهادند و سورا كتاب كانت مقد عقل خاص» برای آراء و افكار شوپنهاور و نیچه و برگسن و ویلیام جیمز تمهید و تمهیدهای بود و نظام فلسفی كانت تاكنون با قدر جای مانده است زیرا علم جدید بوسیله پرسون و مایع و پراگنده ثابت کرده است كه «حقیقت» و «ماده» و «طبیعت» و «نوسان طبیعی» همه از آنهایی است كه عقل انسانیست می کنند و اینها بی وجود عقل وجودی ندارند پس تاج اختصار بر سر كات و فلسفه او میگردد شده كه رها ده برستی و لامذهبی، پرور گردیده است.

سپس داروین آمده بار دیگر جنگ در میان این دودسته در گرفت.

۱۰- داروین

ما اکنون نمیدانیم كه اثر نهائی داروین در تاریخ بشری چه خواهد بود ولی مسلم است كه سر آغاز و سر فصل دنیای جدید قدم فكري میباشد پس اگر بیوت رسد كه داروین در اصول فلسفه و طریقه خود بخطا رفته است البته از خاطره ها محسوس میشود او را هم مانند چندین تن از رجال دانش كه راه خطا پیموده اند فراموش نمیانید ولی اگر درست است كه های او محقق شود نهائی آینده او را با نظر تجلیل و احترام نگریسته سال ۱۸۵۹ را كه در آن كتاب «اصل انواع» داروین منتشر گردید باید فكر جدید خواهند شد.

داروین چه كرد؟ برای زمین وزندگی قننه ای كشید و بصورتی نمایان كرد كه با قننه ها و تصاویر پیش تفاوت كامل داشت و در آن بی اینکه بر هیچ يك از معتقدات هیوم آورده بهر چیزی كه در نظر می آید اشاره کرده بود در این قننه طبیعت مادی جنگ و جدالی عجیب مجسم شد كه در آن ولادت امری عارضی و مترك جلودای است و زندگانی مانند پارچه ایست كه تار بود آن انتخاب طبیعی و مبنی بر تنازع و دوام اصلح میباشد ولی زمین چرا گاهی است كه در آن جانوران و گیاهان و نامرئی هستند و قوی بر ضعیف متولی شده او را می خورد و زرك گوی ابله بی خبر در میشارد و دو عامل طبیعی از لایب سرما و گرما و زرق و برق و باد و طوفان و بیماری ها و حریق و جنگ برای آن جانوران سبب آن است و دسته هائی بزرگ دیگر جای آنرا می گیرند تا اینکه هر کدام برای زندگانی مناسبتر بود بمبادا بدست زندگانی و بدست طبیعت و اینست حقیقت و اینست زمین بنابر قننه و تصویر داروین.

كوبریكی آمد و اثبات كرد كه زمین در این قضایای پایانی ذره ای شتاور پیش لیست داروین هم آمد و ملت انسان نیز یکی از جانورانی است كه با دیگران بر روی زمین برای بقا در كشمش و جدال میباید و این دور معتقدات باستان كه زمین را سرز عالم و انسان را مل سرید مخلوقات می دانستند پشت پا زدند. كاتیر فلسفه نازه و در عقلی كه بر روی فلسفه كمال و معتقدات مذهبی پرورش یافته بودند بنظر می آید در اینصورت جای شگفت لیست آریستوید مردان معتقد و مذهبی با این فكر كار در جنگ و نزاع بافتند.

این بود كه هر يكه انتخاب كردیم و البته عددهای دیگر هم از قبیل اپیور - گالیله - سبنوزا - لاپتس - شوپنهاور - سبنس - نیچه

بخش دوم - آخرین مرحله جنگ

۵- روز جنگ

در جبهه باختر

از ۱۰ مه ۱۹۴۰ تا ۳ ژوئن ۱۹۴۰

جنگل تاریخی کمپین بدین منظور بسیاری مذاکرات در اطراف متاركه جنگ تبیین شده است كه در اینجا جریان اهانت هائی كه بالمان شده بود بشود و در تاریخ برای فرانسه یادگار تلقی باقی بماند.

فرانسه پس از پایداربهای زیاد و جنگ خونینی شكست خورده است ولی آلمان با فرانسه در طی مذاکرات تازه جنگ معامله غلب با مغلوب نموده و توفینی ببنیادگان فرانسه نخواهد كرد. قسمت اساسی و عمده قضا های آلمان برای متاركه جنگ عبارت است از:

نخست از تجدید جنگ جلوگیری شود.

دوم - فرانسه آلمان اطمنیانهائی در خصوص جنگی كه بنحور است آلمان بر علیه انگلستان نماید.

سوم - فرانسه یمانهائی با آلمان برای برقراری صلح و ارتش جدیدی در اروپا منعقد كند.

پس از سرلشگر «كاتین» دكتر «شیدت» وارد وائون شده و عین اعلامیه ای را كه كاتین فرات نموده بود بزبان فرانسه ترجمه كرد.

پس از آن یشوای آلمان و ایمن تاریخی مارشال فوش ارتك نمود همراهان یشوای آلمان نیز در ساعت سه و چهل و دو دقیقه بعد از ظهر باقیات او از وائون خارج شدند و سرلشگر كاتین برای ادامه مذاکرات با نمایندگان در وائون تاریخی مارشال فوش پس از حرکت یشوای آلمان از میدان جنگل کمپین مذاکرات ایمن نمایند و دولت آلمان سرلشگر «كاتین» از يك طرف و نمایندگان دولت فرانسه برات ژرژل «هو ترینگر» از طرف دیگر آغاز گفت «شیدت» مدیر كل وزارت خارجه آلمان نیز بسمت مترجمی در مذاکرات هزور شرت جت پس از مذاکرات مقدماتی سرلشگر ژرژل شرط متاركه جنگ را تقديم نمایندگان فرانسه كرد و آنها برای شور با یكدیگر و اطلاع دولت فرانسه در بدو وائون خارج شده و بجادری كه مخصوص آنها در جنگل برپا شده بود رفتند.

مباحثه شدید لوپرون و لاول

رئیس جمهوری حق حرکات فرانسه را ندارد

لوپرون رئیس جمهوری پس از آنكه در نتیجه فرمان مارشال پتن شب بیست و یکم ژوئن نتوا است از برود حركت نماید تصمیم گرفت روز بعد ساعت هشت بجای معطلی از اردو خارج شود و دستور های لازم در اینخصوص داده بود چند دقیقه پیش از ساعت هشت رئیس جمهوری با نهائی بی سببی در تالار بزرگ عمارت فرمانداری قدم میزد.

در این موقع بكمتریه در تالار باز شده و هیئت نمایندگی مركب از سناتورها و نمایندگان پارلمان وارد آن شدند. لاول در جلوی همه آنها حركت می كرد و لوپرون اشخاص دیگری را كه از عقب او میآمدند بخوبی می شناخت. آقای مارك شروارد برود كه از مخالفین بزرگ ربنو لوپرون محسوب میشد.

آقای بژوئی نماینده پارلمان طرفدار لاول آقای ژرژ بون وزیر خارجه پیشین فرانسه كه سعی می كرد آگاهی جنگ فرانسه آلمان را بتعویق اندازد. آقای پیرنی مخالف بزرگ اتحاد فرانسه با انگلستان و هشت نفر دیگر جزو این هیئت نمایندگی بودند.

رئیس جمهوری همه را دعوت بنشستن کرده و بعد خود بروی صندلی راحتی نشست. مهمانان تازه وارد صندلیهای خود را بشکل نیم دایرهای در مقابل صندلی راحتی رئیس جمهوری قرار دادند.

لاول بدون معطلی شروع بصحبت کرده و گفت:

«پیش از صدن از سناتورها و نمایندگان پارلمان همسین الشاع در طی معملی هیئت نمایندگی را كه خدمتتان را میفرم می كنم انتخاب كردند اند.

لوپرون در مقابل هیئت نمایندگی سری فرود آورده ولی جواب نداده و لاول بختان خود چنین ادامه داد.

لاول غلای خود را در خصوص قننه ای كه برای خروج خود از اردو واصلو فرانسه طرح کرده اید بصحبت كتم. ما ما فوریت داریم كه بر علیه این قننه اعتراض نمایم و شما را مجبور كنیم از اجرای آن صرف نظر مالید.

لاول كمی كمی كرد تا وقتی برای دادن جواب بریس جمهوری داده باشد ولی لوپرون سرخود را بلند كرد و همینطور ساكت بود و دوباره لاول اظهار داشت.

آقای رئیس جمهوری شما نمیتوانید اجازه دارید مسافرت كنید. ما نمیتوانیم تحمل كنیم كه شما با قریبا مسافرت نموده و از آنجا بدین وسیله جنگی را كه بهیچوجه برای قمرانه سوزی ندارد ادامه دهید.

رئیس جمهوری در این موقع سرخود را بلند کرده. لوپرون دیگر طالت شنیدن سخنان لاول را نیاورده و در جواب او گفت:

«وضعیت ما آقایان آطوریکه تصور می كنید ساده نیست در شورای وزیران این گونه سهل بطور كامل مورد مذاكره واقع شده است شما اطمنان داشته باشید و بعهده من بدیست كه جمعی از هیئت وزیران، بیل خود از فرانسه خارج شده و جمعی در آنجا بمانند و هر دسته هر كار را كه صلاح میدانند بدین ترتیب بكنند. و علاوه بر این ...»

هستند كه فوالستیم آنها را در شما ای دهه در آوریمر گرچه هر يك مایه شامخ دارد و از طرف دیگر فرار شده كنتر عیان را در ردیف این نام لریم باری بسیاری از یشوایان فكر بمانی هستند كه خدمات بزرگی بفرمانه ایانی نموده اند و اصناف ایست كه نمیشود دانشمندان و متفكران را يك شماره معین محدود نمود.

پایان

کتاب دوم (اروباد آتش)

بیست سال آشوب

برده آخر ۱۳۱۰

ولی پس از این قضیه تمام هواپیماهای انگلستان در دریای شمال مشغول باسداری دیده بانی بودند كه از غسافلیتر شدن قاط حاس انگلیس جلوگیری بعمل آورند و آلمانها هم با كشتی و دنده دوری در دریای شمال و اطراف جزایر انگلیس اشتغال داشتند و روز سی و یکم ماه اوت روز نامه ها خبری را منتشر كردند كه چند هواپیمای بیگانه در اطراف اسکاتلند دیده شده است.

این خبرها با وجود اینکه رسماً تأیید نشده بود از ريك شدن جنگ را بخوبی ثابت میکرد و میتوان آنها را دلیل قطعی برای فریك بودن جنگ دانست كه مرفین خود را برای آن حاضر کرده بودند. پس از نخستین آژیر خطر مهم دیگر خبری از هواپیماهای بیگانه نشد. آلمانها تمام نیروی خود را در اهتان بكار انداخته و اساساً در جنگ هم قننه عمومی سیاست را كه عبارت از میان برداشتن یكی یكی دشمنان بود در پیش گرفته بودند.

۴ - پیام پادشاه انگلیس به ملت

در ساعت شش بعد از ظهر روز سوم سپتامبر امپراطور ژرژ ششم پادشاه انگلیس نخستین پیام خود را بوسیله رادیو به ملت فرستاد.

پادشاه انگلیس در آغاز پیام خود چنین گفت:

در این ساعت مهمانك كه ملت انگلیس و ملت های آنوهای دریا ها كه امپراتوری آرا تشكيل میدهند برای حفظ بقا و دفاع خوش وارد برزترین مرحله تاریخ خود می شوند و دست بكار همگی این كشكش برری میزنند من هر يك از خانواده رعایای خود را مخاطب قرار داده میگویم آنگاه پادشاه شرح مفصلي در باب لزوم اتحاد و برابری با حوادث آینده و غیره ایراد داشت

نطق او با هر يك دیگر طعناات میانی بنش هد و آنرا در صفحه ای هم ضبط کرده چندین بار در برنامه های مختلف رادیوی لندن برای شنوندگانی كه نتوانستند اصل آرا بشنوند بنش كردند - چندین بعد ملكه انگلیس هم نطقی شبیه نطق پادشاه ایراد و پیام مؤثری به همه بانوان انگلیسی فرستاد.

غرق كشتی ائبا

يكی از مهمترین وقایع روز اول جنگ كنونی كه بعد ها موجب گفتگوهای بسیار شد و نویسندگان از طرف مذتها در باره آن قلم فرسائی کرده و حتی كتابهائی هم راجع بان نوشته اند غرق كشتی مسافری ائبا است. این كشتی سیزده هزارو پانصد و هشتاد و يك تن ظرفیت و بیش از هزارو هشتصد تن مسافر و كارگر كشتی و غیره داشت و از مسافران آن سیصد و پانصد نفر آمریکائی بودند كه از انگلستان بفرق آمریکا غریبت میکرد.

در ساعت هشت و پنجاه دقیقه بعد از ظهر در دویست مایلی شمال باختری جزایر بریبرید غرق شد.

سبب غرق شدن این كشتی را انگلیس ها عملیات زیر دریائی های آلمانی می دانستند و همین ترتیب هم در روزنامه ها و بوسیله رادیو و قلم دیگر در جهان منتشر شده كه يك زیر دریائی آلمانی برخلاف مقررات بین المللی و بی آنكه قبلا از وسیله نجات كشتی نشینان با خبر بشود بكتشی مزبور كه مسافر بری بود حمله کرده و بشرب و ژدر آن را غرق کرده است.

آلمانی ها جد آ این موضوع را تكذیب كردند و خبرگزاری رسمی و رادیوی آلمان اظهار داشتند در ساعت وقوع حادثه هیچ زیر دریائی آلمانی در اطراف این محصل وجود نداشته است و غرق كشتی مسافری مزبور بهیچوجه در نتیجه عملیات نیروی دریائی با كشتیهای جنگی آلمانی نبوده است.

بلافاصله روزنامه ها و رادیو ها و محافل سیاسی و سناتوران طرفین بكار افتادند و چند روزی بر سر این مسئله غوغائی برپا شد.

انگلیس ها غرق این كشتی را اخترا اصول السایت و مقررات بین المللی جنگ قلمداد کرده و آنرا در تمام قاط میستی خصوصاً در آمریکا و همه تبلیغ بسیار خوبی فرار دادند. آلمانی ها هم در باره این موضوع شروع بكار کرده اتهام این موضوع را از خود سلب و حتی آن را بگرن انگلیسها انداخته و چیزی را كه در آموغق وزیر دریا داری بودند متهم به غرق عمدی این كشتی برای جلب نظر آمریکا و تشویش آنها برای وارد شدن در جنگ بر علیه آلمان و ضمنا برای خراب كردن شهرت آلمان در مورد قضی مقررات بین المللی قلمداد كردند.

دكتر گوبلز وزیر تبلیغات آلمان فوراً در صدهای اسنادی برای غرق این كشتی برآمده و كتابه مفصلي راجع باین موضوع تهیه کرده و انتشار داد كه البته تحقیق در صحت تمام مندرجات آن قدری مشكل است.

در این كتابچه كه مؤلف آن آدولف هاند

تصحیح

در شماره دیروز اطلاعات دو اشتباه رخ داده كه بقرار زیر اصلاح می شود:

اشتباه اول در قسمت یادداشت مورخ ۱۵ شهر یور ماه سفارت انگلیس بدولت ایران است.

در قسمت برجیدن سفارتخانه های تحت اداره آلمان ذكری از سفارت بلغار نیز شده است در صورتی كه سفارتخانه بلغارستان جزو سفارتخانهائی نیست كه تقاضای بر چیده شدن آن شده باشد.

اشتباه دوم در قسمت نطق آقای نخست وزیر است كه يك كلمه (ها) و (نا) جمله را تغییر داده كه صحیح آن در زیر چاپ می شود.

«اگر بنارا بر رای اعتماد گذاشتید البته نه آقایان نمایندگان با این نیت این رای را خواهند داد و نه ما و هیچكس دیگر نباید این را اینطور تفسیر كند كه آقایان نمایندگان از این پیش آمده باشند هسند (نمایندگان صحیح است) اشتباهی كه در این جمله روی داده اینست كه بجای پیش آمده (پیش آمدن) چاپ شده و در نتیجه كلمه خشود (نا خشود) مفهوم میشد.

خبرهای کشور

قبول تلگراف بشهرستانها

طبق آگاهی منتشره از دفتر تلگراف تهران تلگرافهای داخلی شهرستانهای كه تاكنون بر اثر خرابی سیم قبول نمیشد دوباره دیرین از دایرؤ برای قاط نامبرده زیر تلگراف قبول می شود:

گردستان و قاط (باستانی مریدوان) كرمانشاه و قاط (باستانی نصرشیرین و غرضی همدان و قاط - قزوین - آبادان - خرمشهر و بندر شاهرور.

قبول مخابرات از راه بیروت

طبق اطلاعاتی كه از بنگاه رادیو دوربین بیروت رسیده تلگرافهای بیفصد كشورهای زیر: سوریه و لبنان - فلسطین - مصر - فرانسه افغال - شده و مستمعان آن - اسپانیا - برتقال - سوئیس سوئد - امریکای شمالی و مرکزی و جنوبی از راه بیروت قبول و مخابره میشود:

مخابره با منچوگو

در دینار اطلاع سابق اینك بر طبق اطلاع جدیدی كه از دفتر بین المللی اتحاد تلگرافی از برن رسیده اعلام می شود كه اداره تلگرافی این بخش نامه های پیشین خود را راجع بمخابرات با منچوگو از بخش زیر اصلاح نموده است:

۱- تلگرافهای بارمز ABC دیگر بذرشته نمی شود.

۲- تلگرافهای ایران كشف و اینی - آلمانی و انگلیسی برای كلیه دفترهای تلگرافی منچوگو كولو بذرشته میشود.

وضع هوایی تهران در روز ۱۸ شهریور ۱۳۲۰

گرما بر حسب سانتیگراد ساعت هفت ۳۳ ساعت سزده ۴۱ ساعت بیست و يك ۳۶ رطوبت نسبی نسبت بصداوح ساعت هفت ۴۸ ساعت سیزده ۴۲ ساعت بیست و يك ۴۰

نای معرفی شده چنین نوشته است:

«دل حقیقی جنگ ۱۹۴۰ شباهت به جنگ ۱۹۱۴ دارد» تا زمانی كه تمام دولتهای قاره اروپا بجان هم افتاده باشند امر اتوری انگلیس نمیتواند آخرین مانعگیری را بازی کرده و خود را آخرین داور اروپا بدانند سواقیایی كه در این جنگ اتفاق می افتد با جنگ بین المللی شیه است انگلیسها در این جنگ هم همان ریشهای كه نه و به تیره های خود را بكار می بندند كوشی زمامداران لندن همه بر روی این اصل قرار گرفته است كه كشانند دول بیطرف را در جنگ عملی سازند و چون در این جنگ انگلیسها از لحاظ نظامی براب كران مشكل تر از جنگ گذشته است با بر این تبلیغات انگلیس هم كوشش خود را بكار می كنند كه دشمن را از انگلیسها میخوانند كاری كنند كه دشمن را كوچك جلوه داده و خود را طرفدار مرامهای خوش ظاهری بداند كه دولتهای بیطرف را بود خود بكنند.

مذاكرات جلسه فوق العاده مجلس و جریان یازدهمین هفته جنگ در اروپای شرقی

سدها لونهای ضد هوایی - سكاپور - بدختران جوان - اگر هنر پشه نبودند چه میکردند؟ داستان «انتقام» - چهارصد بار آزمایش برای ساختن يك دسته چاقو - خیلی مهفقت دارد اما برای شما - داستان

تاریخی شبهای بابل

مهمترین قسمت مندرجات شماره بیست و ششم مجله اطلاعات هتنگی را تفكیل میدهد.

فهرست كامل این شماره را در صفحه دوم ملاحظه كنید

فردا صبح منتشر میشود

